

معنی و مفهوم کلمات شوش و خوزستان

بعضی از نویسندگان و محققین که کلمه شوش و خوزستان را معنی کرده‌اند، آنچنان به بیراهه و سنگلاخ افتاده‌اند، که گویا می‌خواهند شهر شوش را از نو بنیاد نهند، و علت آن نیز روشن است. اول اینکه به زبانهای بومی ایران آشنائی نداشته لذا از ریشه‌یابی لغات عاجزند. دوم اینکه در برخی از نویسندگان تعصب، حقایق را تحت الشعاع قرار داده است بنابراین با اختصاص صفحاتی چند از کتاب خود بدین موضوع، نتیجه معقولی هم حاصل نکرده‌اند.

اما شوش:

با بررسی لغتنامه‌ها و کتب معتبر تاریخی و نوشته‌های مختلف بنظرمی‌رسد برای شوش حدوداً ۲۵ مورد معنی و مفهوم متفاوت نوشته‌اند ولی هیچیک از آنها نمی‌تواند از لحاظ جامع و مانع بودن، معنی و مفهوم واقعی کلمه مورد بحث را برساند، چون کلمه شوش یک اصطلاحی است که محل استعمال معین و مخصوص دارد اگر چه خود یک کلمه بیش نیست اما معنی و مفهوم آن یک جمله است مانند کلمه و لغت «زیبا» ما نمی‌توانیم «زیبا» را با یک کلمه معنی کنیم، بلکه باید برای معنی کردن و رسانیدن مفاد آن یک جمله یا چند جمله بسازیم و این فرمول در خیلی از لغات جاری و ساری است؛ چنانکه در کلمه شوش هم به همین صورت می‌باشد و در اصل خود یک کلمه ایلامی و قدیمی است، و امروزه نیز در برخی از قسمتهای پهناور کشور ایران هنوز هم کاربرد و موارد استعمال دارد.

مورد و محل استعمال آن در جایی است که موضوع باید بسیار باارزش، فوق‌العاده خالص و در مراء، منظر و دید بوده باشد، فی‌المثل:

اگر مجسمه‌ای از طلا باشد در گفتگو از آن می‌گویند: «شوش قیزیلدی» یعنی این مجسمه هم زیبا، هم صاف، هم طلای خالص، و هم فوق‌العاده است و در صورتیکه مجسمه از غیر طلا و از چیز دیگری باشد مانند سنگ نقره، سفال، آهن و غیره، چنین جمله‌ای در آن بکار برده نمی‌شود و در سایر موارد وقتی این جمله گفته می‌شود که موضوع و مقوله آن دارای صفات مذکور در بالا باشد و به طلای خالص تشبیه گردد.

با این مقدمه معلوم می‌شود که چرا به این شهر شوش گفته شده است؛ چون «با ارزش غیرقابل خدشه گران قیمت و در منطقه هموار و صاف بوده و از هر جهت شبیه طلا بوده است»، لذا نام شوش به این شهر داده شده است؛ پس معنی و مفهوم شوش عبارت می‌شود از: «زیبا، صاف، ارزشمند، خوب، و تقریباً غیرقابل دسترسی» وقتی تمام این صفات در موضوع و موردی جمع گردد، به آن شوش خواهند گفت، چنانکه تمامی این موارد وقتی افزون و زیاده اضافه بر آن در پایتخت کشور ایلام جمع بوده است، لذا نامی شایسته برای آن انتخاب کرده‌اند.

خوزستان

قبل از بیان معنی و مفهوم کلمه «خوزستان» یادآوری و تذکر این نکته لازم بنظر می‌رسد که اکثر قریب به اتفاق محققین، فرهنگ‌شناسان و زبان‌دانان را عقیده براین است که زبان ایلامی، التصاقی^۱ بوده و نه پیوندی. یعنی از شاخه و رشته زبانهای اورال‌آلتای می‌باشد

^۱ - Agglutinant

و نه از زبانهای سامی و هندواروپایی، اما هنگامی که قصد تجزیه و تحلیل اسامی، افعال و ضمای مرتبط با ایلام خصوصاً کلمه خوزستان را دارند از کانال زبانهای پیوندی وارد قضیه می شوند که البته این خود نقض غرض است، بعنوان نمونه در توضیح مطلب متذکر می شود که یکبار برای شرکت در یک مجلس و همایش علمی و فرهنگی به شهرستان گنبد کاووس در ترکمن صحرا سفر کرده بودیم پیشامدی جالب اتفاق افتاد:

(چند نفر باهم مشغول گفتگو و صحبت بودیم که شخصی از دور بطرف ما می آمد یک فردی از جمع ما گفت: «خُوزِئین گلیر، یعنی، خُوزِئین می آید» سؤال شد، نامش خوزئین است؟ گفت: خیر نامش ابراهیم است، پرسیده شد پس خوزئین یعنی چه؟ گفت: «خوزئین» یعنی «ارباب، مالک، صاحب اختیار، کارفرما» در این گفتگو بودیم که خوزئین آمد و رسید و به آن جمع پیوست پس از احوالپرسی بعنوان گله رو کرد به یکی از دوستانش گفت: «خوزولانیسان» یعنی ادعای آقایی و سروری داری اما بهت نمی آید.)

این مکالمه و برخورد در بین همه ترک زبانان اعم از ایران و غیر آن از مسائل و موضوعات مسلم و همه گیر است، با توجه به این مقدمه اکنون به معنا و مفهوم خود نام خوزستان می پردازیم.

اصطلاح خوزستان از دو کلمه تشکیل شده است؛ الف: «خُوز = KHUZ=XöZ»، یعنی «آقا، سید، کریم، صاحب و بزرگوار».

ب: «استان = STAN = STIAN»، یعنی «خواسته شده، مطلوب، مراد»؛ که مجموعاً می شود «خوزستان» یعنی جایی که آقا، سید، شخص کریم، شخص مالک و شخص بزرگوار، خواهنده و طالب است، و یا محل و جایی که مطلوب آقا است، هر دو قسمت کلمه ترکی است، چنانکه پسوند همه لغات و اصطلاحات از این قبیل مانند:

« بلوچستان ، کردستان ، لرستان و ترکستان » از این مقوله است ، یعنی: « مطلوب بلوچ ، مطلوب کرد ، مطلوب گُرو مطلوب ترک ».

حال سؤال این است که: موضوع و مقوله به این سادگی که در جای جای ایران مانند لغت آب و نان برای همه روشن و در دسترس است ، و در همه مناطق ترک نشین ایران مثل آذربایجان ، ترکمن صحرا ، زنجان ، همدان ، اسدآباد ، مشهد و استان فارس و غیر آن گفتگوی روزانه است چرا نویسندگان در تعقیب معنی و مفهوم کلمه این همه تلاش بیهوده از خود نشان می دهند ، حداقل می توانستند از خود مردم خوزستان معنی و مفهوم کلمه را سؤال کنند چنانکه من در سفرم به شوش از یک مأمور نگهبان تپه باستانی پرسیدم: « خوز » یعنی چه ؟ بلافاصله جواب داد: « خوز یعنی آقا ، سید و ارباب ».